

متغیرهای فرهنگی - اجتماعی مؤثر بر مشارکت سیاسی زنان در استان اصفهان

وحید قاسمی*



مقدمه

کمیت و کیفیت مشارکت مردم در عرصهٔ امور اجتماعی، فرهنگی و سیاسی از معیارهای سنجش توسعه در این حوزه است. فضای مفهوم مشارکت سیاسی گاه بسیار محدود - در حد حضور در پای صندوقهای رأی هنگام برگزاری انتخابات - تعریف می‌شود. چنین تعریفی از مفهوم واقعی مشارکت فاصلهٔ زیادی دارد، بنابراین ضروری است در تعریف این پدیده دقت لازم صورت گیرد. حضور زنان در عرصه‌های مختلف به‌ویژه عرصهٔ سیاسی به هنگام ظهور انقلاب اسلامی و پس از آن به‌نحو چشمگیری افزایش یافت. با وجود این، باورها و ارزشها که دو عنصر اصلی از فرهنگ هستند آنگاه که به شکل رفتارهای سنتی در می‌آیند، چنانچه در تقابل با مشارکت سیاسی قرار گیرند، می‌توانند در برابر آن مقاومت کنند. نتایج پژوهشهای علمی نشان می‌دهد که روند مشارکت در عرصهٔ سیاسی برای دو گروه زنان و مردان به‌طور کلی در سالهای اخیر روند نزولی داشته است، به‌نحوی که به لحاظ گونه‌شناسی سیاسی، افراد بیشتر به گروه اکثریت خاموش^۱ و تماشاگران^۲ سیاسی تبدیل شده‌اند و از مشارکت فعال در حوزهٔ سیاسی امتناع می‌ورزند.

پدیدهٔ روند نزولی مشارکت سیاسی برای آیندهٔ نظام اجتماعی ایران بسیار مهم ارزیابی می‌شود و شناخت ریشه‌های آن نیز برای ادارهٔ نظام ضروری است. ضمن وجود ریشه‌های مشترک برای کاهش مشارکت سیاسی در دو گروه زنان و مردان، عوامل ویژه‌ای نیز برای هر یک از این دو گروه در کار است که در این مقاله سعی نگارنده بر این است که با تمرکز بر جمعیت زنان استان اصفهان به‌عنوان یک مجموعه، عوامل فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر پدیدهٔ مورد مطالعه را مشخص سازد.

*- دکترای جامعه‌شناسی و عضو هیأت علمی دانشگاه اصفهان.

۱- افرادی که به امور سیاسی اهمیت بسیار اندکی می‌دهند از دانش سیاسی پایینی برخوردارند اخبار و اطلاعات سیاسی را پیگیری نمی‌کنند و فقط در صورتی که واقعهٔ بسیار مهمی در عرصهٔ سیاست رخ دهد به آن توجه می‌کنند.

۲- افرادی که برای امور سیاسی اهمیت قابل‌اند اغلب از دانش سیاسی متوسطی برخوردارند اخبار سیاسی را پیگیری می‌کنند، اما هیچ‌گاه به فعالیت سیاسی به‌طور سازمان یافته و آشکار دست نمی‌زنند و در نقش بازیگر سیاسی وارد نمی‌شوند، حاضر به پرداخت هزینه‌های زیادی برای این فعالیتها نیستند و فقط به انواعی از مشارکت دست می‌زنند که کمترین هزینه را داشته باشد.

تعریف

اصطلاح مشارکت سیاسی را اولین بار آلموند در تقسیم‌بندی انواع فرهنگهای سیاسی به کار برده است. وی منظور خود را چنین بیان می‌کند: «افراد در فرهنگ سیاسی مشارکتی شناسایی متقابلی نسبت به نظام سیاسی و عضویت در آن داشته و همچنین نسبت به ساختارهای سیاسی، اداری و روندهای تصمیم‌گیری و اجرایی گرایش فعال دارند و خواه نظام را قبول یا آن را رد کنند از نفوذ آن در زندگی خود آگاه هستند و سعی در تأثیرگذاری بر خط‌مشی‌ها و تصمیمات دارند» (آلموند، ۱۹۹۲/۲۲).

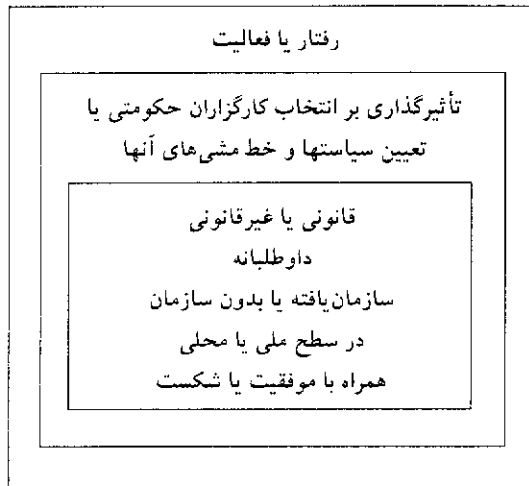
در تعاریف ارائه شده برای مشارکت سیاسی، ویژگیهای مختلفی مورد توجه قرار گرفته و هر صاحب‌نظر بر جنبه‌ای خاص از آن تأکید ورزیده است. برخی بر قانونی بودن فعالیت در مشارکت سیاسی تأکید دارند (وربا و کیم، ۱۹۷۵) در حالی که برخی دیگر علاوه بر فعالیتهای قانونی، فعالیتهای غیرقانونی را نیز در تعریف مشارکت سیاسی گنجانیده‌اند (وینر، ۱۹۷۱).

عده‌ای در تعریف خود فقط شهروندان غیرحکومتی را وارد می‌کنند (وربا و کیم، ۱۹۷۵؛ هانتینگتون و نلسون، ۱۹۷۶) و عده‌ای دیگر در این خصوص تمایزی میان اعضای جامعه قایل نشده و تمامی آنها را در تعریف خود گنجانیده‌اند (برژینسکی، ۱۹۸۷؛ بشیریه، ۱۳۷۶).

عده‌ای از صاحب‌نظران در تعریف مشارکت سیاسی مقوله داوطلبانه بودن مشارکت سیاسی را مورد توجه خاص قرار داده‌اند (وینر، ۱۹۷۱؛ بشیریه، ۱۳۷۶). این نوع فعالیتهای چه سازمان یافته چه غیرسازمان یافته، برای برخی مصداقی از مشارکت سیاسی هستند (وینر، ۱۹۷۱). در حالی که برخی دیگر فقط انواع فعالیت با هدف ذکر شده در قبل را که به صورت سازمان یافته صورت پذیرد، مشارکت سیاسی می‌دانند (بشیریه، ۱۳۷۶).

علاوه بر ویژگیهای گفته شده، برخی از صاحب‌نظران بر ویژگی ملی یا محلی بودن مشارکت سیاسی، در تعریف خود تأکید داشته‌اند (وینر، ۱۹۷۱؛ برژینسکی، ۱۹۸۷) و سایرین به این ویژگی توجه خاصی مبذول نکرده‌اند.

از نظر برخی صاحب‌نظران مشارکت سیاسی لزوماً با موفقیت همراه نبوده و ممکن است ناموفق باشد. به عبارت مشخص‌تر، مشارکت کننده فقط امیدوار است که بر سیاستهای حکومتی تأثیر بگذارد، هر چند لزوماً چنین اتفاقی نخواهد افتاد (وینر، ۱۹۷۱). از نظر آلموند نیز آگاهی شخص مشارکت‌کننده از تأثیرگذاری تصمیم‌گیرندگان یا کارگزاران حکومتی بر حوزه شخصی و خصوصی زندگی، از ویژگیهای مهم مشارکت‌کنندگان است.



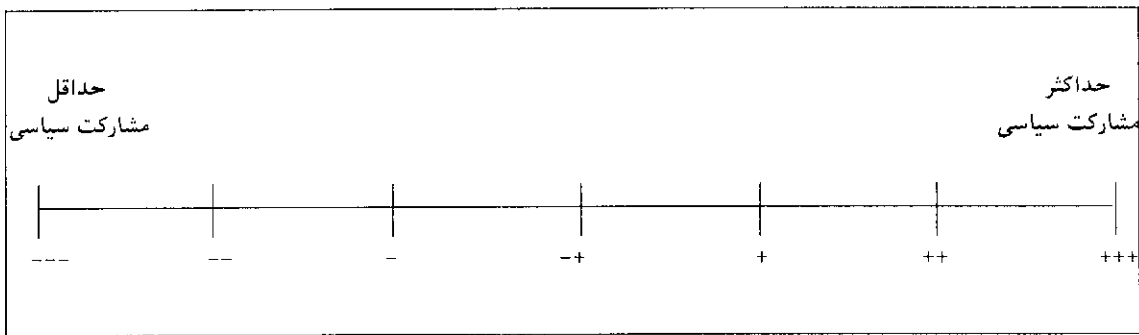
نمودار ۱- فضای مفهوم مشارکت سیاسی

بر اساس آنچه ذکر شد، پیشنهاد می‌شود این تعاریف را به عنوان برآیندی از مجموع ویژگیهای گفته شده برای مشارکت سیاسی بپذیریم: «تمامی فعالیتهای قانونی یا غیرقانونی شهروندان را که به صورت داوطلبانه و در قالب یک سازمان یا خارج از آن، در سطح ملی یا محلی، به منظور تأثیر مستقیم یا غیرمستقیم بر انتخاب کارگزاران حکومتی و یا تعیین سیاستها و خط‌مشی‌های آنان انجام گرفته، چه این فعالیتهای با موفقیت همراه شود یا به شکست بینجامد، را مشارکت سیاسی می‌نامند».

سطح سنجش و معرف‌ها

مشارکت سیاسی یک متغیر رتبه‌ای است. نمی‌توان بر اساس موضوع مشارکت سیاسی افراد را به دو دسته تقسیم کرد و آنها را در دو گروه افرادی که مشارکت سیاسی دارند و افرادی که مشارکت سیاسی ندارند، قرار داد. برخی مفهوم مشارکت سیاسی را با شرکت در انتخابات برابر می‌دانند حال آنکه مشارکت در انتخابات فقط یکی از معرفهای مشارکت سیاسی است و در عین حال از کم‌هزینه‌ترین اشکال مشارکت سیاسی نیز به‌شمار می‌رود.

میزان مشارکت سیاسی را می‌توان به عنوان یک متغیر رتبه‌ای بر روی یک طیف مدرج اندازه‌گیری کرد. می‌توان در انتخابات شرکت نکرد، ولی در عین حال از مشارکت سیاسی در حد بالایی برخوردار بود. به عنوان مثال یک فعال سیاسی را که به منظور اعتراض به سیاستی خاص، انتخابات را تحریم کرده و در آن شرکت نمی‌کند، نمی‌توان یک فرد بدون مشارکت سیاسی تلقی کرد.



نمودار ۲- رتبه‌ای بودن سطح سنجش مشارکت سیاسی

روش‌شناسی

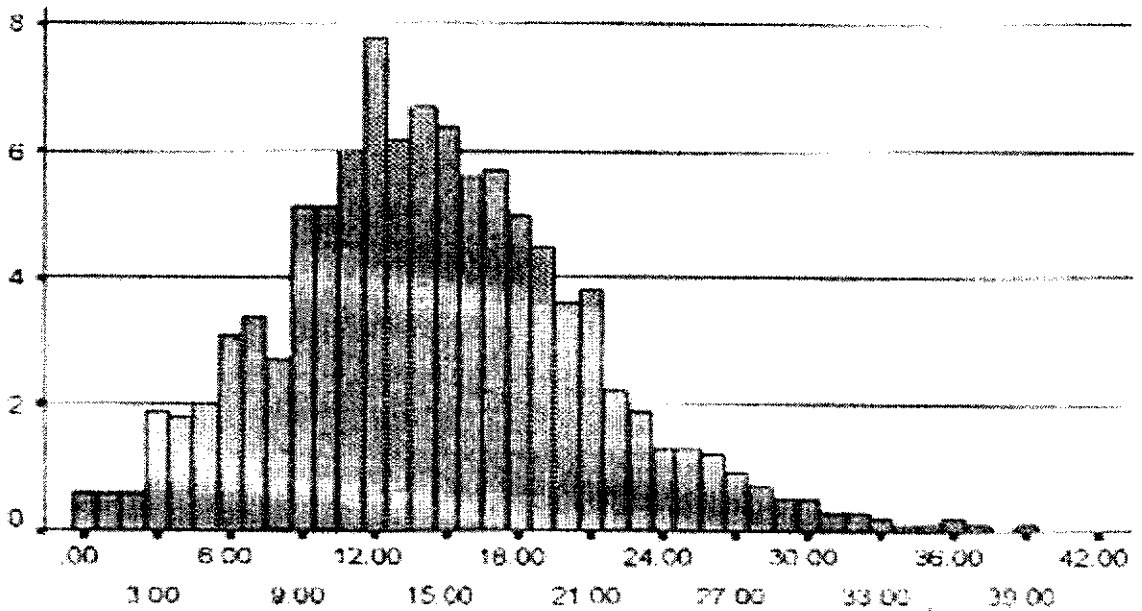
نتایج ارائه شده در این تحقیق برگرفته از مجموعه مصاحبه‌های عمیق با فعالان سیاسی در سال ۱۳۸۱ و پیمایش انجام شده در سال ۱۳۷۹ در سطح استان اصفهان می‌باشد.

جامعه آماری پیمایش انجام شده شامل همه زنان ۲۰۳۹ ساله ساکن در مراکز شهرستانهای استان اصفهان بوده است. تعداد کل این افراد بر اساس سرشماری سال ۱۳۷۵ جمعاً برابر با ۵۸۴۲۸۲ نفر است. این آمار هر چند کمتر از تعداد واقعی زنان در زمان انجام مطالعه است، اما بر حجم نمونه تأثیرگذار نخواهد بود. با استفاده از برآورد ضریب تغییرات متغیرهای اصلی تحقیق و بر اساس بالاترین پراکندگی به دست آمده (ضریب تغییرات برابر ۰/۶۵) برای خطای ۳٪ و با توجه به هزینه و امکانات در دسترس تعداد ۱۹۰۳ نفر به عنوان حجم نمونه انتخاب گردید. شیوه نمونه‌گیری سهمیه‌ای بوده و سهمیه‌ها با استفاده از سه متغیر شهرستان، گروه سنی و وضعیت تأهل تعیین شده است.

ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه است. پرسشنامه دارای روایی صوری و آماری است. روایی آماری با استفاده از تکنیک گروه‌های شناخته شده حاصل شده است. پرسشنامه در بین دو گروه ۲۵ نفره شناخته شده به عنوان گروه‌هایی با مشارکت سیاسی پایین و بالا توزیع شده است. سطح معنی‌داری تفاوت میانگین دو گروه مورد مطالعه برابر ۰/۰۰۰ محاسبه شده است. پایایی ابزار سنجش نیز با استفاده از روش دو نیمه کردن و ضریب آماری اسپیرمن براون به دست آمده است. این ضریب برای آزمون فرعی سنجش سطح مشارکت سیاسی برابر ۰/۷۴۹ می‌باشد.

یکی از مهمترین تلاشهای انجام شده برای تعیین معرفیای سنجش مشارکت سیاسی در ایران را تاج‌زاده (۱۳۷۶) انجام داده است. رابرت دال (نقل از مصفا، ۱۳۷۵) نیز به این موضوع توجه خاص نشان داده است. با مرور مطالعات تجربی راجع به مشارکت سیاسی می‌توان معرفیای زیر را برای سنجش مشارکت سیاسی مورد استفاده قرار داد:

- شرکت در انتخابات
- تشویق دیگران به شرکت در انتخابات
- تشویق دیگران به دادن رأی خود به یک داوطلب یا گرایش سیاسی خاص
- عضویت در یک حزب یا تشکل سیاسی
- عضویت و فعالیت در انجمن‌ها و تشکل‌های دانشجویی (ویژه دانشجویان)
- تشویق اطرافیان به حمایت یا هواداری از یک حزب یا اندیشه سیاسی خاص
- جامعه‌پذیر کردن فرزندان از لحاظ سیاسی
- شرکت در گردهمایی‌ها به منظور مخالفت یا موافقت با یک تصمیم سیاسی خاص که کارگزاران حکومتی اخذ کرده‌اند.
- پیگیری اخبار و اطلاعات سیاسی از منابع مختلف خبری رسمی و غیررسمی
- مراجعه به نمایندگان محلی یا ملی به منظور اخذ تصمیم آنان در موضوعی خاص
- نوشتن مقاله‌های سیاسی یا جهتگیری خاص
- ایراد سخنرانی درباره یک موضوع سیاسی یا جهتگیری خاص
- تذکر به کارگزاران حکومتی از طریق نوشتن نامه به آنان
- کمک مالی به احزاب و تشکلهای سیاسی



نمودار ۳- توزیع نمونه مورد مطالعه بر حسب مجموع امتیاز از معرفهای سطح مشارکت سیاسی

مشارکت سیاسی است. به عبارتی در جامعه مورد بررسی، هم افرادی که از لحاظ سیاسی کاملاً بی‌اعتنا یا عزلت‌گزیده سیاسی هستند، وجود دارد و هم افرادی که در بالاترین سطوح مشارکت سیاسی می‌باشند.

- ۲۵٪ نمونه مورد مطالعه دارای مجموع نمره کمتر از ۱۰، ۵۰٪ دارای مجموع نمره کمتر از ۱۴ و ۷۵٪ نیز دارای مجموع نمره کمتر از ۱۸ می‌باشند.

- چولگی مثبت برابر ۳۸۸/۰ حاکی از وجود درصد بیشتری از افراد در سمت چپ توزیع و به بیانی دیگر تأییدی مجدد از سطح ضعیف مشارکت سیاسی است (نمودار شماره ۳).

- خطای معیار ۱۴۴/۰ نشان‌دهنده تفاوت بسیار اندک نتایج حاصل از نمونه‌ای متفاوت از نمونه مورد بررسی در این پژوهش است. به عبارت دیگر قابلیت بالای تعمیم نتایج را برای متغیر سطح مشارکت سیاسی نشان می‌دهد.

- نمودار ارائه شده برای توزیع مجموع نمرات سطح مشارکت سیاسی حاکی از وجود قرینگی تقریبی در توزیع است. همچنین کشیدگی مثبت این توزیع حاکی از انحراف معیار و به عبارت ساده‌تر پراکندگی کم توزیع

شیوه جمع‌آوری اطلاعات به صورت مصاحبه بوده است. هیجده مصاحبه‌گر^۱ در مراکز شهرستانهای مختلف استان اصفهان این امر مهم را به انجام رسانیده‌اند. همچنین مصاحبه‌های عمیق انجام شده^۲ به منظور بررسی شرایط فعلی در استان اصفهان و مقایسه آن با داده‌های تجربی انجام شده است. این مرحله همچنین به منظور به دست آوردن یک گونه‌شناسی از زنان به لحاظ وضعیت مشارکت سیاسی آنها انجام شده است.

نتیجه‌گیری

الف - سطح مشارکت سیاسی

میانگین مجموع نمرات متغیر سطح مشارکت سیاسی برابر ۱۴/۳ محاسبه شده است. حداکثر میانگین ممکن در این رابطه ۴۲ و حداقل ممکن برابر صفر با مقدار متوسط ۲۱ است. مقدار واقعی میانگین محاسبه شده (۱۴/۳) حاکی از سطح ضعیف مشارکت سیاسی بر اساس ۱۴ معرف ارائه شده است. سایر نتایج حاصل از محاسبات به شرح زیر است:

- تنها ۱/۱ درصد از افراد مورد مطالعه، مجموع نمره ۳۰ و بالاتر اخذ کرده‌اند.

- هیچ‌یک از پاسخگویان امتیاز ۴۰ و بالاتر اخذ نکرده است.

- ۲۷٪ نمونه مورد مطالعه مجموع نمره ۱۰ یا کمتر از آن اخذ کرده‌اند.

- دامنه تغییرات ۳۹ نشانه تفاوت بسیار شدید بین افراد با کمترین میزان مشارکت سیاسی و افراد با بیشترین

۱- مصاحبه‌کنندگان به ترتیب حروف الفبا عبارت‌اند از: خانم‌ها ناهید احسانی، شیرین ایزدی، سودابه اربابان، مریم خلجی، عظیمه ذکریا، لیلا ستوده‌نیا، عذری شهنازی، مریم شریف، پروین صالحی، مریم عزیزی، فضا عزیزی، فرزانه فیاض، مرگان قاسمی، آزاده گوهرمش، پروانه مکاری، ام‌البنین متقی‌نژاد، مریم موسی کاظمی و ایران بوسیلیانی.

۲- مصاحبه‌های عمیق را خانم گیسو یزدخواستی انجام داده است.

است. به نحوی که در مجموع افراد مورد مطالعه، تفاوت‌های زیادی با یکدیگر نداشته و تا حد زیادی از لحاظ سطح مشارکت سیاسی به یکدیگر شباهت دارند. گروه‌بندی کردن افراد بر اساس مجموع نمرات خام هر چند از جهتی منجر به از دست رفتن مقداری از اطلاعات خواهد شد و به عبارتی دور ریختن بخشی از اطلاعات تلقی می‌شود، اما از جهت دیگر تصویر ساده‌تر و قابل فهم‌تری را از وضعیت متغیر مورد بررسی ارائه خواهد داد. دو صفت سادگی و قابلیت فهم بیشتر، از جمله دلایلی است که گروه‌بندی کردن افراد بر اساس سطوح مختلف مشارکت سیاسی را توجیه می‌کند.

اطلاعات ارائه شده در جدول (۱) بر اساس گروه‌بندی نمونه مورد مطالعه در هفت سطح از مشارکت سیاسی است.

جدول ۱- توزیع مطلق و نسبی نمونه مورد مطالعه بر حسب سطح مشارکت سیاسی بر روی یک طیف هفت‌درجه‌ای

سطح مشارکت	تعداد	درصد
فاقد مشارکت	۱۱	۰/۶
خیلی کم	۲۵۶	۱۳/۵
کم	۷۵۶	۳۹/۷
متوسط پایین	۶۵۸	۳۴/۵
متوسط بالا	۱۷۹	۹/۴
زیاد	۳۸	۲
خیلی زیاد	۵	۰/۳
جمع	۱۹۰۲	۱۰۰

میانگین رتبه از $۷ = ۳/۴۶$

اطلاعات ارائه شده در جدول شماره ۱ نشان می‌دهد که: - ۵۳/۸ درصد نمونه مورد مطالعه دارای مشارکت سیاسی به میزان کم، خیلی کم یا بدون مشارکت می‌باشند. - فقط ۲/۳ از افراد دارای مشارکت در سطح زیاد یا خیلی زیاد می‌باشند. - ۴۳/۹ درصد نمونه مورد مطالعه نیز دارای مشارکت سیاسی در سطح متوسط رو به پایین یا متوسط رو به بالا می‌باشند. - میانگین رتبه ۳/۴۶ از حد متوسط میانگین رتبه برابر ۴ حاکی از مشارکت رو به پایین در نمونه مورد مطالعه به طور کلی است.

ب - متغیرهای فرهنگی - اجتماعی تأثیرگذار در این حیطه متغیرهای متعددی از طرف صاحب‌نظران و نظریه‌پردازان سیاسی به‌عنوان عوامل تأثیرگذار و یا موانع در راه افزایش کمی و کیفی مشارکت سیاسی به‌طور اعم و مشارکت سیاسی زنان به‌طور اخص ذکر شده است. مواردی نظیر عدم وجود فضای آزاد اجتماعی برای بیان عقاید، احساس ناامنی اخلاقی، فقر، وجود سنت‌های ضد آزادیخواهی، جایگاه پایین زن در فرهنگ عامه، وجود برخی روایات مجعول و تأثیر آنها بر فرهنگ عامه، عدم آموزش زنان بر اساس اصل اتکای به‌نفس، شهرگرایی و توسعه‌نیافتگی صنعتی، کمبود حایل‌ها و انفکاک‌های اجتماعی، وضعیت نامطلوب کمی و کیفی سواد، کمبود آموزش‌های عملی مشارکت در مدارس، ضعف رسانه‌های جمعی، عدم وجود مطبوعات متکثر، استفاده کم از رسانه‌های مکتوب، عدم توجه برخی نخبگان سنتی و مذهبی به حضور زنان، عدم وجود اعتماد در روابط اجتماعی و همچنین گاه، عدم تعهد مذهبی در به جا آوردن واجبات یا مستحبات دینی مورد تحلیل قرار گرفته است. در این قسمت از لحاظ تجربی و بر اساس پیمایش انجام شده به نتایج به‌دست آمده می‌پردازیم.

اعتماد اجتماعی

سرمایه‌های انسانی با وجود اعتماد به یکدیگر در روابط اجتماعی به سرمایه‌های اجتماعی مبدل می‌شوند. توسعه هماهنگ و پایدار در ابعاد مختلف زندگی انسانی بدون وجود سرمایه‌های اجتماعی غیرممکن است. اعتماد در روابط اجتماعی میان مردم، در جامعه آماری مورد مطالعه در وضعیت نامطلوبی قرار دارد. از طرفی مقایسه میانگین‌های متغیر سطح مشارکت سیاسی برای گروه‌های مختلف زنان بر اساس ارزیابی آنها از سطح اعتماد مردم به یکدیگر در روابط اجتماعی، نشان می‌دهد که با افزایش سطح اعتماد مردم به یکدیگر، بر سطح مشارکت سیاسی آنها نیز افزوده خواهد شد. بر اساس نتایج به‌دست آمده در رابطه با سطح اعتماد در روابط اجتماعی و همچنین رابطه سطح اعتماد و سطح مشارکت سیاسی، پایین بودن اعتماد در روابط اجتماعی باید به‌عنوان یکی از موانع مهم در راه توسعه کمی و کیفی مشارکت سیاسی زنان در نظر گرفته شود. وجود ۵۵ درصد از زنانی که میزان اعتماد مردم به یکدیگر را در روابط اجتماعی کم و خیلی کم برآورد کرده‌اند و ۱۹ درصد زنانی که معتقدند اصلاً چنین

دانسته‌اند، نسبت به سایر زنان از سطح مشارکت سیاسی بالاتری برخوردار بوده‌اند. مقایسه میانگین‌ها برای گروه‌های مختلف زنان این قضاوت را تأیید می‌کند.

درصدهای مربوط به احساس امنیت زنان در خارج از خانه، حاکی از وضعیت مطلوب یا تقریباً مطلوب در این رابطه است. ۷۲ درصد از زنان، امن بودن محیط خارج از خانه را برای حضور زنان در حد خیلی زیاد، زیاد و متوسط دانسته‌اند. فقط ۲ درصد از زنان معتقدند که نمی‌توان هیچ‌گونه امنیتی در خارج از خانه داشت و حدود ۱۴ درصد نیز آن را کم و خیلی کم برآورد کرده‌اند. به این ترتیب متغیر سطح امنیت خارج از خانه برای زنان با توجه به درصدهای ارائه شده، نمی‌تواند به‌عنوان یک مانع اساسی در راه حضور اجتماعی و سیاسی زنان در نظام اجتماعی باشد.

امید به آینده

امید به آینده ایجادکننده انگیزه و تقویت‌کننده منابع انرژی احساسی برای حرکت‌های فردی و جمعی است. ارزیابی فرد از آینده بر مبنای حرکت تاریخی جامعه در گذشته و تجارب زندگی فرد در زمان حاضر خواهد بود. زنانی که آینده‌ای روشن‌تر را در پیش روی خود مشاهده می‌کنند، به‌طور کلی در عرصه زندگی فردی و اجتماعی بیشتر نشانه‌های مثبت در روند حرکت مشاهده می‌کنند تا نشانه‌های منفی.

افراد ناامیدی که زندگی را بیشتر دارای ناملایمات تصور می‌کنند و به‌طور کلی رضایت کمتری از زندگی دارند انگیزه‌های لازم برای مشارکتهای اجتماعی یا سیاسی نخواهند داشت.

مقایسه میانگین‌های گروه‌های مختلف زنان بر اساس امید آنها به بهتر شدن اوضاع در آینده، نشان می‌دهد، زنانی که به آینده امیدوارتر هستند، از سطح مشارکت سیاسی بالاتری برخوردارند.

زنان در جامعه آماری مورد بررسی، در رابطه با این متغیر، دارای پراکندگی قابل توجهی هستند، به‌طوری که می‌توان آنها را به سه گروه تقریباً مساوی تقسیم کرد. زنانی که به آینده و بهبود شرایط به‌طور کلی بیشتر امیدوارند، زنانی که ناامید هستند و زنانی که در حالت بینابین قرار داشته و نظر خود را با انتخاب گزینه متوسط ابراز کرده‌اند. بنا بر این اطلاعات می‌توان گفت؛ حداقل برای یک سوم از زنان در جامعه آماری مورد مطالعه امید نداشتن به آینده را باید به‌عنوان یک مانع در راه مشارکت سیاسی در نظر گرفت.



اعتمادی بین مردم وجود ندارد از این حیث نگران‌کننده ارزیابی می‌شود. فعالیتهای گروهی خارج از خانه که قسمت مهمی از مشارکتهای سیاسی و در قالب این نوع از فعالیتها انجام می‌شود، بدون وجود سطحی از اعتماد در روابط اجتماعی شکل نخواهد گرفت. عدم اعتماد به یکدیگر می‌تواند در برابر هر نوع فعالیت گروهی مانع ایجاد کند و یا دوام آن را با مخاطره مواجه سازد.

امنیت اجتماعی و اخلاقی

زنان تا چه حد در خارج از خانه به‌طور کلی احساس امنیت می‌کنند و برای حضور در فعالیتهای مختلف اجتماعی خارج از خانه، از بابت امنیت فردی نگرانی ندارند؟ احساس امنیت خارج از خانه را برای زنان به منزله مقدماتی‌ترین زمینه حضور در فعالیتهای اجتماعی و سیاسی، شناسایی کرده‌ایم. زنانی که امنیت خارج از خانه را در سطح بالاتری



در عرصه‌های سیاسی دارند مخالفت کرده‌اند. این وضعیت با نتیجه‌ی مربوط به شرایط طبیعی زنان برای مشارکتهای اجتماعی هماهنگ است.

از طرف دیگر نتایج حاکی از آن است، زنانی که دارای اعتماد درونی بیشتری نسبت به خود هستند از سطح مشارکت سیاسی بالاتری نیز برخوردارند. از مجموع نتایج به دست آمده در این رابطه می‌توان چنین قضاوت کرد که زنان از این بابت برای مشارکت سیاسی با مشکل جدی روبه‌رو نیستند.

دوری از برخورد با نامحرم

این متغیر از جمله متغیرهای اجتماعی و فرهنگی است که صاحب‌نظران داخلی، به عنوان یکی از موانع مشارکت سیاسی زنان در ایران در نظر گرفته‌اند. رابطه‌ی بین دوری از برخورد با نامحرم با سطح مشارکت سیاسی به عنوان یک فرضیه در این تحقیق مورد آزمون تجربی قرار گرفته است. از طرفی چنین رابطه‌ای مشاهده شده است، به نحوی که میانگین نمره‌ی سطح مشارکت سیاسی برای زنانی که با گویه «زن برای حفظ خود از نامحرم بهتر است که بیشتر در خانه باشد و کمتر به امور اجتماعی بپردازد» موافقت داشته‌اند، نسبت به زنان مخالف با این گویه، پایین‌تر بوده است. از طرف دیگر درصد زنان موافق با این گویه بسیار کمتر از زنانی است که با آن مخالفت داشته‌اند. ۷۴ درصد از زنان در گروه مخالفان بوده و فقط ۲۰ درصد در گروه موافقان قرار داشتند.

نوع نگاه زنان به موضوع دوری از فعالیتهای اجتماعی به علت دوری از برخورد با نامحرم با نگاه ایشان به اموری نظیر توانایی زنان برای فعالیتهای اجتماعی خارج از خانه و لیاقت برابر آنان برای حضور در فعالیتهای سیاسی نسبت به مردان با یکدیگر هماهنگ و همخوان است.

اعتماد به مسؤولان

وجود اعتماد از طرف مردم مشارکت‌جو به مسؤولان مملکتی که قرار است بر سیاستهای اتخاذ شده از طرف آنان تأثیرگذار باشد، می‌تواند به بالا بردن سطح مشارکت سیاسی زنان بینجامد. نمی‌توان از زنانی که اصولاً اعتمادی به مسؤولان سیاستگذار ندارند، انتظار مشارکت سیاسی فعال و مؤثر داشت.

نتایج به دست آمده از مقایسه‌ی میانگین‌های سطح مشارکت سیاسی نشان می‌دهد، زنانی که اعتماد بیشتری به مسؤولان مملکتی داشته‌اند، از سطح مشارکت سیاسی بالاتری نیز برخوردار بوده‌اند.

اطلاعات به دست آمده از میزان اعتماد مردم به مسؤولان نیز حاکی از یک وضعیت نامطلوب برای نظام اجتماعی و حالتی تقریباً نگران‌کننده دارد. درصدها نشان می‌دهد که چنانچه توجه جدی به اعتمادسازی بین مسؤولان و مردم از طرف مسؤولان صورت نگیرد، خرده نظام سیاسی می‌تواند در آینده با بحران مشروعیت مواجه شود.

۴۸ درصد از زنان با این گویه که «مردم به مسؤولان مملکتی اعتماد کافی ندارند» موافق یا کاملاً موافق بوده‌اند و فقط ۳۲ درصد با آن مخالفت کرده‌اند. این وضعیت می‌تواند یکی از موانع مهم در راه مشارکت سیاسی زنان تلقی شود. حداقل، تأثیر چنین وضعیتی این است که مشارکت سیاسی زنان را در ابعاد خاصی محدود کرده و زنان را به انفعال خواهد کشید.

اعتماد درونی

تا چه حد زنان، شرایط طبیعی خود را برای حضور در عرصه‌ی فعالیتهای خارج از خانه مناسب می‌دانند؟ آیا آنان در مقایسه‌ی خود با مردان، از این لحاظ تفاوتی احساس می‌کنند؟

اکثر زنان (۸۰ درصد) در نمونه‌ی مورد مطالعه، شرایط زنان را برای حضور در فعالیتهای اجتماعی خارج از خانه مناسب می‌دانند و در این مورد مشکلی احساس نمی‌کنند. فقط ۱۴ درصد از زنان با این موضوع موافق نیستند. این وضعیت، موقعیتی مطلوب برای بهره‌گیری از نیرو و انرژی زنان در راه توسعه‌ی پایدار به حساب می‌آید. می‌توان گفت چنین دیدگاهی نسبت به زنان، متناسب با یک جامعه‌ی رو به توسعه یا توسعه‌یافته است. در همین رابطه و در مقایسه‌ی بین مردان و زنان، اکثریت نمونه‌ی مورد مطالعه (۵۱ درصد) با این موضوع که مردان لیاقت و شایستگی بیشتری نسبت به زنان، برای حضور

در مجموع باید گفت برای ۲۰ درصد از زنان در جامعه آماری مورد مطالعه در این تحقیق دوری از فعالیتهای سیاسی به علت دوری از برخورد با نامحرم ممکن است به عنوان یک مانع مهم در نظر گرفته شود.

فعالیت گروهی خارج از خانه

اطلاعات به دست آمده در جامعه آماری مورد مطالعه نشان می‌دهد که از مؤثرترین متغیرهای تأثیرگذار بر سطح مشارکت سیاسی زنان، این است که آیا زنان فعالیتهای گروهی خارج از خانه دارند یا خیر؟ یکی از شدیدترین تفاوت‌های مشاهده شده بین گروههای مختلف زنان، در بین دو گروه زنانی مشاهده می‌شود که یکی دارای فعالیت گروهی و سازمان یافته در خارج از خانه بوده‌اند و گروه زنانی که چنین فعالیتهایی را ندارند.

آنچه در این رابطه اهمیت دارد این است که فقط ۱۷ درصد از زنان مورد مطالعه دارای چنین فعالیتهای گروهی بوده‌اند و سایر زنان این فعالیتهای را نداشته‌اند. می‌توان انتظار داشت با گسترش فعالیتهای گروهی زنان در قالب‌های مختلف تفریحی، علمی، اقتصادی و اجتماعی و... مشارکتهای سیاسی زنان نیز افزایش یابد.

ازدواج و خانه‌داری

نتایج به دست آمده نشان‌دهنده رابطه قابل توجه میان وضعیت تأهل و وضعیت اشتغال از یک سو با مشارکت سیاسی از سوی دیگر است. میانگین‌ها نشان می‌دهد که زنان مجرد از سطح مشارکت سیاسی بالاتری نسبت به زنان متأهل برخوردارند. همچنین از لحاظ وضعیت شغلی، زنان خانه‌دار به عنوان گروهی هستند که از پایین‌ترین سطح مشارکت سیاسی نسبت به سایر زنان برخوردار می‌باشند.

این دو عامل از طریق متغیرهای میانی نظیر هرم قدرت در خانواده و تضاد نقش مادری و همسری با سایر نقشها بر سطح مشارکت سیاسی زنان تأثیر منفی گذارده و آن را کاهش می‌دهد. به عبارت دیگر آنچه مسلم است اینکه نمی‌توان ازدواج یا خانه‌داری را برای زنان مانعی در راه مشارکت سیاسی تلقی کرد. آنچه در این میان به عنوان مانع مشارکت سیاسی زنان اهمیت دارد، نوع توزیع قدرت در خانواده‌های پدرسالار، تضاد و فشار نقشی است که زنان بر اثر تعدد نقش‌ها در خانه پس از ازدواج به آن دچار می‌شوند و به ویژه در این دو مورد است که ازدواج و خانه‌داری را باید زمینه ایجاد این وضعیت دانست.

سخن پایانی

مجموعه مصاحبه‌های انجام شده با برخی فعالان سیاسی زن در سال ۸۱ بیشتر حاکی از وجود نوعی یأس و ناامیدی نسبت به وضعیت مشارکت سیاسی زنان است. وضعیت فعلی نشان می‌دهد که متغیرهای فرهنگی-اجتماعی تأثیرگذار بر مشارکت سیاسی زنان آن گونه که باید به سمت بهبود حرکت نکرده، بلکه احتمالاً جهت معکوس داشته‌اند. وجود این ناامیدی در بین فعالان سیاسی زن از طرفی به کاهش فعالیت این زنان منجر شده و از انرژوی آنها در این مسیر کاسته شده است و اعضای آن هستند با نوعی رکود و سستی روبه‌رو کرده است. لذا چنانچه خواهان مشارکت فعال زنان در عرصه‌های مختلف از جمله عرصه سیاسی هستیم، تصمیم‌گیرندگان در عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی باید به بهبود وضعیت متغیرهای طرح شده در این تحقیق توجه خاص اعمال کنند. در غیر این صورت خرده‌نظام سیاسی در آینده به احتمال زیاد با یک رکود شدید از نظر مشارکت‌کنندگان در انتخابات و در مراحل بعدی با بحران مشارکت مواجه خواهد شد.

منابع

- وایتر، مایرون و ساموئل هانتینگتون. درک توسعه سیاسی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۷۹.
- آلموند، گابریل. «جامعه‌پذیری سیاسی و فرهنگ سیاسی». ترجمه علیرضا طیب. اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال ۱۱، شماره ۵ و ۶، ۱۳۷۵.
- برژینسکی، زیگنیو. «بحران کمونیسم، مسأله مشارکت مردم در امور سیاسی». اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال دوم، ش ۴، بشریبه، حسین. «حدود و موانع مشارکت زنان در زندگی سیاسی». پیام هاجر، شماره ۲۲۷، ۱۳۷۶.
- گروه نویسندگان به اهتمام علی‌اکبر علیخانی، مشارکت سیاسی، تهران، نشر سفیر، ۱۳۷۶.
- فخرایی، سیروس. موانع ساختاری مشارکت سیاسی زنان در ایران، مجموعه مقالات زن و سیاست، دانشگاه الزهراء، ۱۳۷۵.
- Wiener, Myron. (1971). Political Participation in Crisis and Sequences in Development. Princeton: Princeton U.P. Political
- Huntington, Samuel; Nelson, John. (1976), Participation no Easy Choice. London: Harvard U.P.
- Verba, Sidney; Nie, Norman H. (1975), Handbook of Political Sciences. Vol 4. Massachusetts: Adision Wesley.